

مگر نمازگزاران

درس ساجل دریا

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

«انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است. هنگامی که بدی به او رسد، بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او برسد، از دیگران دریغ می‌دارد؛ مگر نمازگزاران.»

[معارف/ ۱۹ تا ۲۳]

آثار تربیتی نماز

■ انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است

(إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا).

■ هنگامی که بدی به او برسد، بسیار جزع و بی‌تابی می‌کند
(وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا).

■ و هنگامی که خوبی به او رسد، از دیگران دریغ می‌دارد
(وَ اِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا).

جمعی از مفسران «هلوع» را به معنی حریص و جمعی به معنی کم‌طاقت تفسیر کرده‌اند. بنابر تفسیر اول، در این جا به سه نکته منفی اخلاقی در وجود این گونه انسان‌ها اشاره شده است: حرص، جزع و بخل. بنابر تفسیر دوم، به دو نکته جزع و بخل اشاره شده است. زیرا آیات دوم و سوم، تفسیری است برای معنی هلوع. این احتمال نیز وجود دارد که هر دو معنی در این واژه جمع باشند. چرا که این دو وصف لازم و ملزوم یکدیگرند. آدمهای حریص غالباً بخیل‌اند و در برابر حوادث کم تحمل و عکس آن نیز صادق است.

شکل ظاهری و باطنی انسان

اکنون این سؤالها مطرح می‌شود که اگر خداوند انسان را برای سعادت و کمال آفریده، چگونه در طبیعت او شر و بدی قرار داده است؟ وانگهی، آیا ممکن است خداوند چیزی را با صفتی بیافریند و سپس آفرینش خود را مذمت کند؟

و از همه اینها گذشته، قرآن در آیه ۴ سوره «تین» صریحاً می‌گوید: «ما انسان را با بهترین صورت و ساختمان آفریدیم.» مسلماً منظور این نیست که ظاهر انسان خوب و باطنش زشت

و بد است. بلکه کل خلقت انسان به صورت احسن تقویم است و همچنین، آیات دیگری که مقام والای انسان را می‌ستایند، با آیه مورد بحث چگونه سازگار است؟

پاسخ همه این سؤالات با توجه به یک نکته روشن می‌شود و آن این است که خداوند نیروها، غرایز و صفاتی در انسان آفریده است که اینها بالقوه، وسیله تکامل، ترقی و سعادت او محسوب می‌شوند. بنابراین صفات و غرایز مزبور ذاتاً بد نیستند، بلکه وسیله کمال او هستند. اما هنگامی که همین صفات در مسیر انحرافی قرار گیرند و از آنها سوء استفاده شود، مایه نکبت، بدبختی، شر و فساد خواهد بود.

فی‌المثل، همین حرص نیرویی است که به انسان اجازه نمی‌دهد به زودی از تلاش و کوشش باز ایستد و با رسیدن به نعمتی سیر شود. این عطش سوزانی است که بر وجود انسان مسلط است. اگر این صفت، در مسیر تحصیل علم و دانش به کار افتد و انسان، حریص در علم و یا به تعبیر دیگر، تشنه و عاشق بی‌قرار علم باشد، مسلماً مایه کمال اوست. اما اگر حرص در مسیر مادیات به کار افتد، مایه شر و بدبختی و بخل می‌شود.

به تعبیر دیگر، این صفت شاخه‌ای از حب‌ذات است و می‌دانیم حب‌ذات چیزی است که انسان را به سوی کمال می‌فرستد. اما اگر در مسیر انحرافی واقع شود، به سوی انحصارطلبی، بخل، حسد و مانند آن پیش می‌رود [تفسیر نمونه، ج ۲۵: ص ۲۹].

سپس اشاره می‌کند که نمازگزاران از این اوصاف رذیله میرزا هستند: «الامصلین»: مگر نمازگزاران.